

بررسی وضعیت نظام ارزشی در مناطق فرهنگی - اجتماعی کشور

* E-mail: Tazad@chamran.uk.ac.ir / تقی آزاد ارمکی

** E-mail: Ghys-vand@yahoo.com / احمد غیاثوند

چکیده:

شروع تحولات فرهنگی - اجتماعی در طی دهه‌های اخیر در ایران، نشان از تغییر اساسی در ساختار نظام ارزشی جامعه دارد. شناسایی این وضعیت در مناطق مختلف کشور بر حسب سطوح ارزش‌های متفاوت هدف اساسی این مقاله می‌باشد. در این راستا با در نظر گرفتن ۱۰ استان کشور در قالب پنج منطقه‌ی فرهنگی - اجتماعی سعی شده است که وضعیت ابعاد ارزشی جامعه (ارزش‌های دینی، خانوادگی، سیاسی، اجتماعی، جنسیتی و جهانی) در این مناطق مورد مطالعه قرار گیرد. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که این تحولات به ترتیب از ارزش‌های دینی، سیاسی، جنسیتی و جهانی شروع می‌شود و به تدریج ارزش‌های اجتماعی و خانوادگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به گونه‌ای که در مجموع می‌توان بیان داشت در منطقه‌ی «یک» وضعیت هنجارها در قالب مدرن‌شدن یا سنتی‌ماندن و نیز جدا شدن از بافت نظام ارزشی سنتی نوعی «آنومی هنجاری» را پدید آورده است. در مناطق «سه» و «چهار»، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی جهت‌گیری مشخص ندارند و این امر افراد را با «ابهام هنجاری» مواجه کرده است. در مناطق «دو» و «پنج» تا حدودی هنجارها و ارزش‌های اجتماعی نوعی «نظام هنجاری» سنتی و پایداری را نشان می‌دهند.

کلید واژه‌ها: نظام ارزشی، جهت‌گیری دینی، اعتماد اجتماعی، ابهام هنجاری، نظام هنجاری، آنومی هنجاری، ارزش‌های مادی و فرامادی

* استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

الف) بیان مسأله

یکی از اصلی‌ترین آفت‌های تحقیقات و مطالعات اجتماعی در ایران، غلبه‌ی آمار و اطلاعات بر تحلیل و مفهوم‌سازی است. این مشکل از زمانی دامنگیر تحقیقات اجتماعی گردید که ضرورت وجود اطلاعات برای برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی از طریق سازمان‌های اجرایی مطرح گردید؛ به‌گونه‌ای که پس از گذشت بیش از پنج دهه از این نوع تحقیقات، معلوم می‌شود که جامعه‌ی تحقیقاتی کشور بیش از آن‌که به جمع‌آوری اطلاعات و آمار در سطح وسیع نیازمند باشد، به فهم معنادارتری از وضعیت مناطق و حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی احتیاج دارد. چنان‌چه استان‌های کشور به لحاظ اجتماعی به سه یا چهار منطقه قابل تفکیک و تقسیم باشد، دیگر نیاز به شناسایی جزئیات اجتماعی در سطح کل کشور (با در نظر گرفتن ضرورت سرشماری عام و کلی در سطح ملی) نخواهیم داشت؛ این معنا در مورد امور اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیز صادق است.

آن‌چه امروز به‌ویژه در دهه سوم انقلاب اسلامی در جامعه‌ی ایران با توجه به گسترش آموزش و پرورش، رشد رسانه‌ها و نفوذ آن‌ها در زندگی فردی و جمعی، رشد شهرنشینی، تمرکز فزاینده‌ی جمعیت در شهرها، افزایش سطح آموزش زنان، توسعه‌ی فرایندهای تفکیک اجتماعی، گذار از جنگ و اهمیت امور اقتصادی رخ داد، زمینه‌های ظهور سطوح ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی متفاوتی را میسر ساخت؛ به‌گونه‌ای که در سطح درونی اجتماع و بین جامعه‌ای، می‌توان تعارض‌ها و تفاوت‌هایی را شاهد بود.

از طرفی ارزش‌ها یکی از عناصر اصلی فرهنگ می‌باشد، مطالعه‌ی ابعاد آن می‌تواند موجب شناسایی تغییرات فرهنگی و تحولات اجتماعی در طول زمان‌ها و در مکان‌های مختلف گردد. بدین خاطر پی‌بردن به وضعیت نظام ارزشی جامعه، ما را با ساختار فرهنگی جامعه آشنا تر می‌سازد.

با وقوف به این امر، به نظر می‌رسد که برای پرداختن به وضعیت نظام ارزشی در جامعه‌ی ایران، تفکیک مناطق مختلف بر مبنای تفاوت‌های محیط اجتماعی، اقتصادی، قومی، زبانی و مذهبی از اهمیت شایانی برخوردار است. بدیهی است هنگامی که صحبت از نظام ارزشی در جامعه‌ی ایران می‌شود، بررسی وضعیت و نیز پی‌گیری نظام ارزشی بر حسب مناطق فرهنگی - اجتماعی می‌تواند به‌طور دقیق‌تر، توانایی‌ها، تحولات، آسیب‌ها و چشم‌اندازها را به‌خوبی برآورد و آشکار سازد.

در این بررسی، ۱۰ استان کشور به «پنج منطقه‌ی فرهنگی - اجتماعی» تقسیم شده است. در واقع، در نظر گرفتن این پنج منطقه‌ی فرهنگی - اجتماعی و سنجش و تبیین هر یک از ارزش‌های مختلف دینی، اجتماعی، خانوادگی، جنسیتی، سیاسی و جهانی، می‌تواند سطوح نظام ارزشی کشور را آشکار سازد، گرچه اکثر تحقیقات و گزارشات صورت گرفته، بر حسب توسعه اقتصادی و تکنولوژی، استان‌های کشور را رتبه‌بندی کرده‌اند. بنابراین، در مطالعه‌ی حاضر تفکیک مناطق پنج‌گانه‌ی فرهنگی - اجتماعی گامی در جهت پاسخ به سؤال زیر می‌باشد:

- ۱- وضعیت ابعاد نظام ارزشی مختلف بر حسب مناطق پنج‌گانه‌ی فرهنگی - اجتماعی چه‌گونه است؟
- ۲- این تفکیک تا چه اندازه قابلیت تبیین علمی را در این مناطق میسر می‌سازد؟

ب) ملاحظات نظری (چارچوب مفهومی)

در گذشته، اکثر تحقیقات انجام شده مبین این موضوع بودند که تحولات فرهنگی و اجتماعی در پاسخ به توسعه‌ی اقتصادی و تکنولوژی روی می‌دهند؛ اما به تدریج این رویکرد قوت گرفت که در پناه دگرگونی فرهنگی باید شاهد تغییرات اقتصادی و فنی بود.

به نظر اینگلهارت: «فرهنگ، نظامی است از نگرش‌ها، ارزش‌ها و دانشی که به طریقی گسترده در میان مردم مشترک است و از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شود؛ در حالی که طبیعت انسانی از لحاظ زیست‌شناختی فطری و عمومی است. فرهنگ فراگرفته می‌شود و ممکن است از یک جامعه به جامعه‌ای دیگر تغییر کند» (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۹). از سویی نیز معتقد است: دگرگونی فرهنگی تدریجی است و بازتاب دگرگونی در تجربه‌های سازنده‌ای است که به نسل‌های مختلف شکل داده است. از این‌رو، ارزش‌ها و هنجارهای سنتی در میان نسل‌های گذشته کاملاً گسترده است؛ در حالی که گرایش‌های جدید تا حد زیادی در میان نسل‌های جوان‌تر نفوذ دارد و با جانشین شدن نسل‌های جوان‌تر به جای نسل‌های بزرگ‌تر، جهان‌بینی متداول در این جوامع نیز دگرگون شده است. بنابراین، دامنه‌ی پی‌آمدها بسیار گسترده است. «دگرگونی فرهنگی، هم بر آهنگ رشد اقتصادی در جوامع صنعتی و هم بر نوع توسعه‌ی اقتصادی‌ای که آن‌ها دنبال می‌کنند تأثیر گذاشته است و به شالوده‌ی اجتماعی برخورد سیاسی، دلایل مردم برای حمایت از احزاب سیاسی و نوع حزبی که حمایت

میکنند و راههایی که برای رسیدن به اهداف سیاسی خود برمی‌گزینند، شکل نوینی بخشیده است. هم‌چنین، آهنگ رشد جمعیت، ساختار خانواده و میزان حضور در کلیسا را تغییر داده است» (صص ۱ و ۲).

از این‌رو اینگلهارت در تشریح نشانگان بسیار گسترده‌ی فرهنگی توجه خود را معطوف به دگرگونی ارزش‌ها، از مادی به فرامادی می‌نماید و جابه‌جایی از اولویت‌های مادی به سمت فرامادی را به‌طور بالقوه، فرایندی جهانی می‌داند؛ یعنی، هر کشوری که از شرایط ناامنی اقتصادی به سوی امنیت نسبی حرکت می‌کند، باید این فرایند روی دهد (اینگلهارت و آبرامسون، ۱۳۷۸: ۸۵).

اینگلهارت به منظور تبیین این تحول، دو فرضیه‌ی پیش‌بینی‌کننده‌ی دگرگونی ارزشی را مطرح می‌کند:

۱- فرضیه‌ی کمیابی^۱ که در آن اولویت‌های فرد، بازتاب محیط اجتماعی - اقتصادی او است، به‌نحوی که شخص بیش‌ترین ارزش ذهنی را به آن چیزهایی می‌دهد که عرضه‌ی آن نسبتاً کم است.

۲- فرضیه اجتماعی شدن^۲ که در آن ارزش‌های اصلی شخص تا حد زیادی بازتاب اوضاع حاکم بر سال‌های قبل از بلوغ وی است.

در مجموع، به نظر اینگلهارت ارزش‌های فرامادی بازتاب وجود امنیت و نحوه‌ی جامعه‌پذیری در طی شکل‌گیری شخصیت فرد هستند. براساس این فرضیه، در کشورهایی که به‌طور نسبی، ثبات اقتصادی، نیروی‌های دفاعی قوی، آهنگ سریع اقتصادی و نظم اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حاکم باشد به تدریج افراد به سمت مشارکت‌های اجتماعی، آزادی بیان، زیباسازی شهرها و ایجاد جوامع انسانی و عقلانی گرایش می‌یابند. بر این اساس، قرار گرفتن جامعه در این فضای ارزشی، تغییرات اساسی را در ارزش‌ها و هنجارهای دینی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی موجب می‌شود.

ج) سنجش ابعاد نظام ارزشی در مناطق پنج‌گانه

فرهنگ هر جامعه متشکل از نظام‌هایی از ارزش‌ها، عقاید و نمادهای احساسی و عاطفی هدایت‌کننده و معنابخش اعمال اجتماعی و زندگی جمعی است. فرهنگ از یک سو مشتمل بر مؤلفه‌های درونی شده‌ی شخصیت عواملان فردی و از سوی دیگر

1- Scarcity hypothesis
2- Socialization hypothesis

نگاه‌های نهادی شده‌ی نظام‌های اجتماعی است (پارسونز^۱، ۱۹۵۱: ۳۲۷). نظام ارزشی، متشکل از معیارهای خوب و بد، مطلوب و نامطلوب و بایدها و نبایدهاست. ارزش محک و معیار عمل در میان جانشین‌های مختلف مربوط به موقعیت است. تداوم تعامل و پایداری نظام در یک جامعه، تا حدود زیادی به وجود ارزش‌های مشترک در آن جامعه مربوط می‌شود. «پارسونز» در این زمینه می‌گوید: شرط اصلی تداوم نظام تعامل، همنوایی عاملان با نظام مشاع استانداردهای ارزشی است (به نقل از طالبی، ۱۳۷۸: ۲۰۲). دیدگاه کارکردگرا بر اهمیت ارزش‌ها در هدایت اعمال مردم و انگیزه‌های آنان برای مشارکت در جامعه تأکید دارد. به نظر «دورکیم» آگاهی جمعی و کارکردهای انسجامی، بیانگر اهمیت وفاق ارزش‌ها در جامعه‌اند. در جامعه‌شناسی پارسونزی نیز نظم اجتماعی به وجود ارزش‌های عام و مشترکی وابسته است که مشروع‌اند و به منزله‌ی معیارهایی برای گزینش تمایلات و اعمال به‌شمار می‌روند. پیوند نظم‌های اجتماعی و شخصیتی از طریق جذب ارزش‌ها در فرایند جامعه‌پذیری تحقق می‌یابد (آبرکرامبی، ۱۳۶۷: ۴۰۷). در مقابل دیدگاه تضاد، بر این جنبه تأکید دارد که ارزش‌ها اغلب به مثابه‌ی ابزاری در دست افراد ممتاز و صاحب قدرت هستند.

«گی‌روشه» در بیان تعریف ارزش اذعان می‌دارد: ارزش‌ها، شیوه‌هایی از بودن یا عمل هستند که شخصی یا گروهی آن را به مثابه‌ی آرمان می‌شناسد و افراد یا رفتارهایی را که بدان نسبت داده می‌شوند، مطلوب و مشخص می‌کند (روشه، ۱۳۷۶: ۷۶). از دیدگاه جامعه‌شناختی، ارزش‌ها معیارهایی هستند که به کمک آن‌ها گروه یا جامعه امکان می‌یابد تا اهمیت اشخاص، الگوهای رفتاری، هدف‌ها و دیگر اعیان اجتماعی - فرهنگی را ارزیابی کند (نیک‌گهر، ۱۳۶۹: ۲۸).

بر این اساس، وقتی ارزش‌های اجتماعی یک منظومه هست‌هایی را شکل می‌دهند ویژگی سلسله‌مراتبی پیدا می‌کنند و نظام ارزشی جامعه هویدا می‌گردد. براساس دیدگاه صاحب‌نظران، ویژگی‌های اساسی ارزش‌ها را به شرح ذیل می‌توان مطرح نمود:

- ۱- مرکزیت (روکیچ^۲، ۱۹۶۸: ۱۵۷) ۲- رجحان و اولویت (انتخاب از میان شقوق مختلف، خصوصیات سلسله‌مراتبی ارزش‌ها (روشه، ۱۳۷۶: ۸۱؛ فیتز^۳، ۱۹۷۵: ۶)
- ۳- بایدی بودن و جنبه‌ی دستوری داشتن (نیک‌گهر، ۱۳۶۹: ۲۹۱؛ عبداللطیف، ۱۳۷۸: ۷۴؛ فیتز، ۱۹۷۵: ۶) ۴- قرار داشتن در نظام آرمانی و نه در مسایل عینی یا حوادث

1- Parsons
2- Rokeach
3- Feather

(ذهنی بودن ارزش‌ها) (روشه، ۱۳۷۶: ۷۶؛ شوتز: ۱۸۴). ۵- داشتن بار عاطفی (بذل جان و مال برای حفظ ارزش‌ها) (نیک‌گهر، ۱۳۶۹: ۲۸۱؛ روشه، ۱۳۷۶: ۷۶). ۶- نسبی بودن (روشه، ۱۳۷۶: ۸۰) ۷- پایداری در برابر تغییر (فیتز، ۱۹۷۵: ۴) (توکلی، ۱۳۷۸: ۱۳۶).

در مطالعه‌ی ابعاد نظام ارزشی، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان بسیاری به سنجش ارزش‌ها توجه کرده‌اند که می‌توان از افرادی از قبیل: آلپورت، ورنون، لیندزی، روکیچ، دورکیم، پارسنز، اینگلهارت و کلاهنون نام برد. «آلپورت» نظریه‌ی خود را بر پایه‌ی نظریه‌ی اسپرانگر قرار داد و به بررسی ابعاد شش‌گانه‌ی ارزش و نظام شخصیتی مرتبط به آن پرداخته است که شامل ارزش‌های نظری، اقتصادی، زیباشناختی، هنری، اجتماعی، سیاسی و مذهبی می‌باشد (عبداللطیف، ۱۳۷۸: ۹۲). «روکیچ» نیز بر اساس ادبیات ارزش‌ها و در جهت خلق نظریه‌های جامع و کامل درباره‌ی گونه‌های ارزشی در نهایت گونه‌های سی‌وشش‌گانه ارزشی خود را مطرح کرد که در قالب ارزش‌های ابزاری و غایی قابل دسته‌بندی است (فیتز، ۱۹۷۵: ۴). «جرج اسپیندلر» (۱۹۵۵) بر اساس مطالعه‌ی مردم‌شناسانه، ارزش‌ها را به دو دسته‌ی ارزش‌های سنتی و ارزش‌های پدیدآینده (جدید) تفکیک نمود. «پرینس» در تدوین ارزش‌های تفاضلی به تفکیک ارزش‌های سنتی و نو اشاره کرده است. «هوکس» (۱۹۵۲) در بررسی ارزش‌های شخصی به ارزش‌هایی از قبیل: زیباشناختی، راحتی و آسایش، صداقت، هیجان، زندگی خانوادگی، آزادی جسمانی، سیطره و حاکمیت، پیشرفت فردی، اعتراف و تقدیر از جانب دیگران پرداخته است (توکلی، ۱۳۷۸: ۱۴۳).

«شوارتز» (۱۹۹۰) با بسط رهیافت ارزشی روکیچ درصدد برآمد به توسعه‌ی نظریه‌ای جامع و جهانی از گونه‌های ارزشی بپردازد. در این باره شوارتز گونه‌های ارزش ده‌گانه‌ی خود را در پیوستاری از ارزش‌های انگیزشی که باعث «ساختار مدور ارزش‌ها» می‌شود شامل: همنوایی، لذت‌طلبی، موفقیت، استقلال، امنیت، قدرت، خیرخواهی، جهان‌گرایی و برانگیختگی سنت می‌دانند (بورگاتا^۱، ۱۹۹۲: ۲۲۶).

در نهایت، سنجه‌های دوازده‌گانه‌ی «اینگلهارت» به ارزش‌های فرامادی و مادی تقسیم می‌شوند که در قالب سه دسته سنخ ارزشی (مادی، التقاطی و فرامادی) از همدیگر تفکیک می‌شوند. اهمیت این دسته‌بندی از آن‌روست که جوامعی که دستخوش تحول ارزشی از مادی به فرامادی می‌باشند، سایر ارزش‌ها و هنجارهای جامعه از قبیل:

1- Borgatte

مذهبی، سیاسی، جنسیتی، اجتماعی و خانوادگی تحت تأثیر قرار گرفته که در واقع از نشانگان عمده‌ی تحول فرهنگی جوامع به حساب می‌آیند.

بنابراین، برای بررسی وضعیت ابعاد ارزشی در استان‌های مختلف، علاوه بر پی‌گیری تحول ارزش‌های مادی به فرامادی، به مطالعه‌ی عمده‌ترین ارزش‌های مورد نظر از قبیل: وضعیت ارزش‌های دینی، ارزش‌های خانوادگی، ارزش‌های جنسیتی، ارزش‌های اجتماعی و ارزش‌های سیاسی می‌پردازیم. در زیر به تشریح مؤلفه‌ها و معرف‌های هر یک از ارزش‌ها اشاره می‌گردد:

الف) ارزش‌های جهانی: این وضعیت مشتمل بر دو نوع ارزش بدین شرح است:

۱- **ارزش‌های مادی/ فرامادی:** در این باره ارزش‌های مادی دارای ۶ ارزش از قبیل: سطح بالایی از رشد اقتصادی، مطمئن شدن از قدرت و اقتدار ملی، استقرار نظم در جامعه، مبارزه علیه افزایش قیمت‌ها، مبارزه علیه جرم و جنایت و اقتصاد با ثبات است؛ در مقابل، ۶ ارزش: پیشرفت به سوی جامعه‌ای کم‌تر انتزاعی و انسانی‌تر، پیشرفت به سوی جامعه‌ای مبتنی بر ایده‌ها، دخالت در تصمیمات مهم دولتی، حمایت از آزادی بیان، افزایش حق اظهار نظر مردم در اداره‌ی امور و تلاش برای زیباتر ساختن شهرها و روستاها جزو ارزش‌های فرامادی به حساب می‌آیند.

۲- **تعلق جغرافیایی:** منظور میزان تعلق افراد به گروه‌های جغرافیایی (محلّه یا شهر، استان، ایران، خاورمیانه و جهان) می‌باشد.

ب) ارزش‌های دینی: جهت سنجش وضعیت ارزش‌های دینی در استان‌های مختلف کشور از مؤلفه‌های زیر بهره گرفته‌ایم:

۱- **رفتار دینی:** میزان نمازخواندن، میزان نمازخوان در مسجد.

۲- **برداشت دینی:** توجه به غایت در زندگی، میزان مذهبی بودن.

۳- **کنش دینی:** شامل اهمیت دادن به کنش‌هایی چون: انجام نمازهای پنج‌گانه، تلاش برای ساختن جامعه‌ای شکوفا، تشکیل خانواده، ساختن یک زندگی شغلی موفق

۴- **جهت‌گیری دینی:** میزان پاسخگو بودن مقامات دینی درباره‌ی مسایل اخلاقی و نیازهای فردی، مسایل زندگی خانوادگی، نیازهای معنوی مردم و مسایل اجتماعی امروز کشور.

ج) ارزش‌های خانوادگی: برای سنجش وضعیت تغییرات ارزش‌های مرتبط با خانواده از مؤلفه‌های زیر استفاده نموده‌ایم:

۱- **ساختار خانواده:** اقتدار در خانواده، تعداد فرزندان، تعداد فرزندان ایده‌آل.

۲- **خصوصیات همسر مطلوب:** میزان توجه به ویژگی‌های زن سنتی، زن مدرن، زن مذهبی.

۳- **الگوی ازدواج:** تعدد در ازدواج دایم، تعدد در ازدواج موقت.

۵) **ارزش‌های جنسیتی:** هنجارهای جنسیتی مورد سنجش؛ شامل ترجیحاتی از قبیل: سهم زن و شوهر در کسب درآمد، توجه بیش‌تر به رهبری سیاسی مردان، اهمیت تحصیلات دانشگاهی برای پسران و اطاعت‌پذیری زن از شوهر می‌باشد.

۵. **ارزش‌های اجتماعی:** برای سنجش وضعیت ارزش‌های مختلف اجتماعی به مؤلفه‌های زیر اکتفا نموده‌ایم:

۱- **رضایت اجتماعی:** میزان رضایت از زندگی و رضایت از وضع مالی.

۲- **ناهنجاری‌های اجتماعی:** میزان موجه‌نمایی هر یک از احکام از قبیل: مصرف مسکرات، بهره‌مندی از مزایای دولتی، عدم پرداخت کرایه‌ی وسیله‌ی نقلیه‌ی عمومی، تقلب در پرداخت مالیات، انحرافات، فحشا و خودفروشی، سقط جنین، یوتاناسیا (پایان بخشیدن به حیات بیماران غیرقابل علاج) و خودکشی.

۳- **اعتماد اجتماعی:** برای سنجش اعتماد اجتماعی از دو سطح اعتماد بین‌شخصی و اعتماد انتزاعی کمک گرفته‌ایم. اعتماد بین‌شخصی درباره‌ی نحوه‌ی برخورد با افراد جامعه و اعتماد انتزاعی میزان اطمینان افراد به سازمان‌ها و نهادهایی از قبیل: مسجد، مطبوعات، تلویزیون، حکومت یا دولت، احزاب سیاسی و مجلس می‌باشد.

۴- **روابط اجتماعی:** برای سنجش این مفهوم از دو سطح روابط بین‌شخصی و روابط اجتماعی در سطح عام بهره گرفته‌ایم. در زمینه‌ی روابط اجتماعی عام از میزان همکاری و معاشرت افراد با دوستان، همکاران، اعضای مسجد و شرکت در سازمان‌های افتخاری و خدماتی سؤال شده است.

۵- **هویت ملی:** شامل میزان افتخار و غرور ملی افراد نسبت به ایران می‌باشد.

۶) **ارزش‌های سیاسی:** جهت سنجش وضعیت ارزش‌های سیاسی از سه مؤلفه‌ی زیر استفاده نموده‌ایم:

۱- **تمایلات سیاسی:** میزان بحث و گفت‌وگوی سیاسی و علاقه‌مندی سیاسی در بین افراد.

۲- **رضایت سیاسی:** رضایت از عملکرد دولت، ارزیابی از دولت درباره‌ی نحوه‌ی اداره‌ی امور، رضایت از توسعه‌ی دموکراسی.

۳- **گرایش‌های سیاسی:** شامل میزان گرایش سیاسی افراد به جناح‌های موسوم به چپ یا راست در کشور.

د) منطقه‌بندی استان‌های کشور

برای پاسخ دادن به سؤال فوق با عنایت به روی‌کرد نظری اینگلهارت درباره‌ی «دگرگونی ارزشی»، از دو شیوه‌ی «تبیینی - تحلیلی» استفاده شده است: شیوه‌ی اول، معطوف به بررسی پژوهش‌های انجام شده درباره‌ی منطقه‌بندی کشور است و شیوه‌ی دوم، با توجه به ضعف‌های موجود در طبقه‌بندی‌های ارائه شده - بیش‌تر این دسته‌بندی‌ها با معیار توسعه‌ی اقتصادی، جمعیتی تهیه شده است - با تکیه بر تحقیق تجربی، ضمن شناسایی وضعیت ارزش‌ها در مناطق به بررسی آماری بین آن‌ها می‌پردازیم.

۱- منطقه‌بندی استان‌های کشور بر حسب معیارهای مختلف

بی‌تردید یکی از وجوه مشخصه‌ی استان‌های کشور در ابعاد مختلف، وجود تفاوت به لحاظ سطح توسعه‌یافتگی میان آن‌ها می‌باشد. از این‌رو، بیش‌تر مطالعات پیشین، براساس گرایش‌های توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی تهیه شده است که در زیر به تشریح آن‌ها می‌پردازیم:

۱-۱- پژوهش اول با عنوان «توسعه و اشتغال» بر اساس داده‌های سرشماری سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ به سنجش توسعه‌ی استان‌ها با توجه به متغیرهای جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی پرداخته است.

برای انتخاب متغیرهای سازنده‌ی شاخص توسعه در این پژوهش، در اولین گام ۲۶ متغیر اجتماعی، جمعیتی و اقتصادی برگزیده شده، که با استفاده از آزمون‌های متعدد از جمله: آزمون ضریب همبستگی، رگرسیون چند متغیره، تحلیل عاملی و محاسبه‌ی ضریب همبستگی درونی تعداد ۹ متغیر انتخاب و شاخص توسعه از ترکیب آن‌ها ساخته شده است (رمضانیان، ۱۳۷۹: ۱۱۷). این شاخص‌ها عبارتند از: ۱- میزان شهرنشینی ۲- نسبت بستگی یا بار تکفل در مناطق شهری (جمعیت در سن فعالیت و جمعیت خارج از سن فعالیت) ۳- نسبت بستگی یا بار تکفل در مناطق روستایی ۴- نسبت باسوادی زنان به مردان در مناطق شهری ۵- نسبت باسوادی زنان به مردان در مناطق روستایی ۶- میزان مرگ و میر اطفال در هزار نفر ۷- ضریب اشتغال به

تحصیل زنان ۱۵-۱۹ ساله‌ی روستایی ۸- امید به زندگی زنان و ۹- امید به زندگی مردان.

بر این اساس، استفاده از شاخص‌های ۹ گانه‌ی مورد نظر و ترکیب نمرات حاصل برای هر استان نشان می‌دهد که می‌توان ۲۶ استان مورد بررسی را طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵، به پنج گروه توسعه‌ای تقسیم نمود که شرح آن‌ها بدین قرار است (رضانیان، ۱۳۷۹: ۱۳۱-۱۳۹).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود به لحاظ میزان توسعه‌یافتگی، استان‌های تهران و کردستان به ترتیب رتبه‌های اول و آخر را دارا می‌باشند. البته در طی سال‌های ۶۵ و ۷۵ به جز چند جابه‌جایی، سطح توسعه‌ی استان‌ها تا حدودی مشابه می‌باشند. بنابراین، می‌توان گفت در ایران هرچه فاصله‌ی استان‌ها به تهران نزدیک‌تر باشد، به دلیل بهره‌گیری بیش‌تر از امکانات، از سطح توسعه‌ای بالاتری برخوردارند.

جدول (۱): وضعیت سطوح توسعه در استان‌های کشور سال‌های ۶۵-۷۵

استان‌های کشور	سال	سطح توسعه
تهران	۱۳۶۵	بسیار زیاد
تهران	۱۳۷۵	
گیلان، سمنان، قم، مازندران و اصفهان	۱۳۶۵	زیاد
گیلان، سمنان، قم، مازندران، اصفهان، یزد، کرمان و فارس	۱۳۷۵	
فارس، یزد، کرمان، بوشهر، خوزستان، کرمانشاه، چهارمحال و بختیاری، آذربایجان شرقی، هرمزگان و همدان	۱۳۶۵	متوسط
بوشهر، لرستان، مرکزی، کرمانشاه، خوزستان، هرمزگان، چهارمحال و بختیاری، ایلام، آذربایجان شرقی، کهگیلویه و بویراحمد	۱۳۷۵	
مرکزی، لرستان، ایلام، زنجان، کهگیلویه و بویراحمد، آذربایجان غربی، خراسان، سیستان و بلوچستان و اردبیل	۱۳۶۵	کم
خراسان، زنجان، اردبیل، آذربایجان غربی و سیستان و بلوچستان	۱۳۷۵	
کردستان	۱۳۶۵	خیلی کم
کردستان	۱۳۷۵	

۲-۱- در مطالعه‌ی دوم، با موضوع «توسعه روستایی و مهاجرت» فهم رابطه‌ی بین سطح کلی توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی مناطق روستایی و میزان خالص مهاجرت مورد نظر بوده است.

در این بررسی، جهت مطالعه‌ی عوامل مؤثر بر مهاجرت در مناطق روستایی استان‌های کشور، از شاخص‌های مختلف استفاده شده است که شامل: امید به زندگی

در بدو تولد، سطح توسعه‌ی آموزشی، میزان پوشش وسایل ارتباط جمعی، میزان توفیق برنامه‌های تنظیم خانواده، سطح توسعه‌ی بهداشتی، سطح کیفیت مسکن، میزان حضور نهادها، میزان غلبه بر عوامل مداخله‌کننده و میزان برخورداری از تسهیلات می‌باشد. با استفاده از آزمون‌های آماری مختلف، پنج شاخص عمده جهت دسته‌بندی مناطق روستایی کشور به لحاظ توسعه یافتگی به دست آمد که عبارتند از: ۱- سطح آموزش ۲- سطح کیفیت مسکن ۳- سطح توسعه‌ی اقتصادی ۴- میزان موفقیت برنامه‌های تنظیم خانواده ۵- سطح توسعه‌ی بهداشتی (مشفق، ۱۳۸۰: ۱۱۱).

همان‌طور که دسته‌بندی مناطق روستایی استان‌های مختلف کشور مطابق با پنج شاخص توسعه اقتصادی و اجتماعی نشان می‌دهد، تقریباً ۲۷ درصد از روستاهای ایران در دهه‌ی ۶۵-۷۵ از سطح توسعه‌ی بالایی برخوردار بوده‌اند و ۲۷ درصد در سطح متوسط قرار دارند و ۴۶ درصد نیز سطح پایین توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی قرار دارند (ص: ۱۱۷).

جدول (۲): سطوح توسعه‌ی مناطق روستایی کشور در سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۵

سطح توسعه	مناطق روستایی استان‌های کشور	تعداد	درصد
خیلی بالا	تهران، یزد، اصفهان	۳	۱۱/۵
بالا	قم، سمنان، مازندران، مرکزی	۴	۱۵/۳
متوسط	گیلان، فارس، زنجان، کرمانشاه، بوشهر، آذربایجان شرقی، چهارمحال و بختیاری	۷	۲۷
کم	همدان، ایلام، خراسان، کرمان، کردستان	۵	۱۹/۲
خیلی کم	خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد، اردبیل، لرستان، آذربایجان غربی، هرمزگان، سیستان و بلوچستان	۷	۲۷
جمع	۲۶ استان	۲۶	۱۰۰

۳-۱- پژوهش دیگر درباره‌ی «سنجش درجه‌ی توسعه‌یافتگی فرهنگی استان‌های ایران» می‌باشد که از روش توصیفی - تحلیلی برای دسته‌بندی استان‌های کشور استفاده گردیده است. در این مطالعه، از ۲۳ شاخص فرهنگی استفاده شده است (۱) (زیاری، ۱۳۷۹: ۹۷). این میزان درجه‌ی توسعه‌یافتگی براساس شاخص‌های انتخابی و با بهره‌گیری از الگوی کامپیوتری تاکسونومی، عددی حاصل شده است. با توجه به شاخص‌های بیست‌وسه‌گانه‌ی امکانات فرهنگی، سطوح توسعه‌یافتگی استان‌ها حکایت از ناهم‌آهنگی در سطوح مختلف امکانات فرهنگی استان‌های کشور دارد. استان تهران بالاترین و استان سیستان و بلوچستان پایین‌ترین درجه‌ی توسعه‌یافتگی فرهنگی داراست (ص ۱۰۲).

همان‌طور که جایگاه و سلسله‌مراتب استان‌های کشور نشان می‌دهد، هشت استان تهران، سمنان، یزد، کرمان، اصفهان، مازندران، آذربایجان شرقی و گیلان به‌عنوان استان‌های دارای امکانات فرهنگی؛ هشت استان خراسان، زنجان، چهارمحال و بختیاری، اردبیل، مرکزی، فارس، همدان و آذربایجان غربی در گروه استان‌های دارای امکانات محدود و بقیه‌ی استان‌های کشور مشتمل بر؛ کهگیلویه و بویر احمد، خوزستان، بوشهر، هرمزگان، کردستان، کرمانشاه، لرستان، ایلام و سیستان و بلوچستان به‌عنوان استان‌های محروم از امکانات فرهنگی محسوب می‌شوند. جدای از تهران، در میان گروه استان‌های دارای امکانات فرهنگی، استان سمنان و یزد در سطحی بالاتر نسبت به بقیه جای دارند. مقایسه‌ی داده‌ها، حاکی از آن است که در میان استان‌های دارای امکانات فرهنگی نیز، ناهمگنی در درجه‌ی توسعه وجود دارد. در این میان مقایسه‌ی ضرایب سمنان و گیلان مبتنی بر این واقعیت است.

جدول (۳): وضعیت توسعه‌یافتگی استان‌های ایران بر اساس شاخص‌های فرهنگی

ردیف	استان	درجه توسعه	کیفیت توسعه
۱	تهران	۰/۴۹۰	
۲	سمنان	۰/۶۱۵	
۳	یزد	۰/۶۱۶	
۴	کرمان	۰/۷۲۱	دارای امکانات فرهنگی
۵	اصفهان	۰/۷۳۵	
۶	مازندران	۰/۷۴۸	
۷	آذربایجان شرقی	۰/۷۶۱	
۸	گیلان	۰/۷۷۳	
۹	خراسان	/۷۸۰	
۱۰	زنجان	۰/۸۱۹	
۱۱	چهارمحال و بختیاری	۰/۸۲۸	
۱۲	اردبیل	۰/۸۳۰	دارای امکانات فرهنگی محدود
۱۳	مرکزی	۰/۸۳۱	
۱۴	فارس	۰/۸۵۶	
۱۵	همدان	۰/۸۷۹	
۱۶	آذربایجان غربی	۰/۸۸۴	
۱۷	کهگیلویه و بویراحمد	۰/۸۸۵	محروم از امکانات فرهنگی
۱۸	خوزستان	۰/۸۸۶	
۱۹	بوشهر	۰/۸۹۲	

۰/۸۹۹	هرمزگان	۲۰
۰/۹۰۸	کردستان	۲۱
۰/۹۱۷	کرمانشاه	۲۲
۰/۹۲۵	لرستان	۲۳
۰/۹۳۳	ایلام	۲۴
۰/۹۳۶	سیستان و بلوچستان	۲۵

۴-۱- تحقیق دیگر با موضوع «تحلیل ثانویه طرح ملی تغییرات ارزش‌های فرهنگی در ایران» می‌باشد. در این پژوهش، ۲۶ استان کشور بر حسب شاخص‌های مختلف اجتماعی - فرهنگی و نیز در قالب فرضیه‌ای براساس تحولات فرهنگی به ۱۰ منطقه‌ی فرهنگی - اجتماعی دسته‌بندی شده است.

یافته‌های حاصل نشان می‌دهد که ۱۵/۶ درصد از افراد نمونه در منطقه‌ی فرهنگی - اجتماعی تهران؛ ۱۳ درصد در منطقه‌ی گیلان، مازندران و گلستان؛ ۱۲/۴ درصد در منطقه‌ی شیراز و اصفهان؛ ۷/۶ درصد در منطقه‌ی زنجان، همدان و قزوین؛ ۳/۵ درصد در منطقه‌ی قم و اراک؛ ۱۲/۸ درصد در منطقه‌ی خراسان و سمنان؛ ۱۵/۹ درصد در منطقه‌ی آذربایجان غربی و شرقی، کرمانشاه و اردبیل؛ ۱۶ درصد در منطقه‌ی کرمان و یزد؛ ۷/۴ درصد در منطقه‌ی هرمزگان، خوزستان و بوشهر؛ ۶ درصد در منطقه‌ی لرستان، ایلام، چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد در مقایسه با استان‌های خارج از هر منطقه از شباهت‌های فرهنگی بیش‌تری برخوردار است.

جدول (۴): توزیع استان‌های کشور بر حسب مناطق فرهنگی - اجتماعی

درصد	تعداد	مناطق دهگانه فرهنگی - اجتماعی
۱۵/۶	۳۹۵	تهران
۱۳	۳۲۹	گیلان، مازندران، گلستان
۱۲/۴	۳۱۳	شیراز، اصفهان
۷/۶	۱۹۳	زنجان، همدان، قزوین
۳/۵	۸۹	قم، اراک
۱۲/۸	۳۲۳	خراسان، سمنان
۱۵/۹	۴۰۳	آذربایجان غربی و شرقی، کرمانشاه، اردبیل
۶	۱۵۲	کرمان، یزد
۷/۴	۱۸۲	هرمزگان، خوزستان، بوشهر
۶	۱۵۱	لرستان، ایلام، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه بویراحمد
۱۰۰	۲۵۳۰	جمع

۲- شیوه‌ی دوم: دسته‌بندی مناطق فرهنگی - اجتماعی کشور بر حسب نظام‌های ارزشی مختلف است.

آنچه تاکنون بدان پرداخته شده است، تحقیقات مختلفی بودند که به نحوی استان‌های کشور را به مناطق مختلف توسعه‌ای دسته‌بندی نموده‌اند. در بررسی حاضر برحسب ابعاد ارزشی گوناگون سعی می‌گردد ۱۰ استان کشور (تهران، گیلان، مازندران، اصفهان، فارس، همدان، کرمانشاه، لرستان، کرمان و بوشهر) برحسب عناصر و مؤلفه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی به پنج منطقه تقسیم و مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

۵) یافته‌های پژوهش

آنچه در این مقاله دنبال کردیم آن بود که نشان دهیم با توجه به دسته‌بندی استان‌های مختلف کشور به پنج منطقه‌ی فرهنگی - اجتماعی، وضعیت نظام‌های ارزشی گوناگون در بین آن‌ها چه‌گونه است؟ و هر یک از مناطق پنج‌گانه بر حسب ارزش‌های دینی، خانوادگی، جنسیتی، اجتماعی، سیاسی و جهانی چه جایگاهی دارند؟

۱- مشخصات پاسخگویان

تعداد کل پاسخگویان در این پژوهش، ۱۵۵۵ نفر بوده است. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب جنسیت به تفکیک نشان می‌دهد که از تعداد کل افراد نمونه، ۵۲/۸ درصد زن و ۴۷/۲ درصد مرد می‌باشند. پاسخگویان این تحقیق از لحاظ وضع تأهل، تقریباً مساوی‌اند. توزیع فراوانی نسبی به‌دست‌آمده نشان می‌دهد ۶۹۴ نفر (۵۲/۴ درصد) از افراد متأهل و در مقابل ۶۳۰ نفر (۴۷/۶ درصد) مجرد هستند.

پاسخگویان مورد بررسی این تحقیق، افراد ۱۵ سال به بالای استان‌های مختلف کشور می‌باشند. با دسته‌بندی سن آن‌ها با فاصله طبقاتی ۱۰ سال، نتایج توصیف آماری نشان می‌دهد که ۴۶/۵ درصد ۱۵-۲۴ سال، ۲۰/۲ درصد ۲۵-۳۴ سال، ۱۳/۸ درصد ۳۴-۴۴ سال، ۹/۸ درصد ۴۵-۵۴ سال و بیش‌تر از ۵۵ سال هستند. به عبارتی، بیش از نیمی از افراد حداکثر تا ۳۵ سال سن دارند. بیش‌تر پاسخگویان مورد بررسی دارای تحصیلات ابتدایی (۲۸/۷ درصد) و عالی (۲۶/۱ درصد) هستند بعد از این افراد، ۱۹/۵ درصد دارای تحصیلاتی در سطح متوسطه، ۲۰ درصد دیپلم و ۵/۸ درصد بی‌سواد هستند.

نتایج توصیف آماری پنج منطقه‌ی فرهنگی - اجتماعی نشان می‌دهد که استان تهران در منطقه‌ی یک (۲۶/۲ درصد)؛ استان‌های گیلان، مازندران و اصفهان در منطقه‌ی دو (۱۵/۸ درصد)؛ استان فارس در منطقه‌ی سه (۱۹/۴ درصد)؛ استان‌های کرمانشاه و همدان در منطقه‌ی چهار (۲۲/۶ درصد) و استان‌های کرمان، بوشهر و لرستان در منطقه‌ی پنج (۱۶ درصد) این نوع دسته‌بندی قرار گرفته‌اند.

جدول (۵): توزیع پاسخگویان، برحسب مناطق پنج‌گانه‌ی فرهنگی - اجتماعی کشور

مناطق پنج‌گانه	تعداد	درصد	درصد معتبر
منطقه‌ی یک (تهران)	۴۰۴	۲۶	۲۶/۲
منطقه‌ی دو (گیلان، مازندران، اصفهان)	۲۴۴	۱۵/۷	۱۵/۸
منطقه‌ی سه (فارس)	۲۹۹	۱۹/۲	۱۹/۴
منطقه‌ی چهار (کرمانشاه و همدان)	۳۴۹	۲۲/۴	۲۲/۶
منطقه‌ی پنج (لرستان، بوشهر و کرمان)	۲۴۷	۱۵/۹	۱۶
بی‌جواب	۱۲	۰/۸	-
جمع	۱۵۵۵	۱۰۰	۱۰۰

۲- وضعیت ابعاد نظام ارزشی در مناطق پنج‌گانه

با توجه به دسته‌بندی ابعاد ارزشی مختلف در مناطق فرهنگی - اجتماعی کشور در زیر به توصیف و تحلیل آماری آن‌ها می‌پردازیم:

۲-۱- وضعیت ارزش‌های دینی در مناطق پنج‌گانه

مؤلفه‌های عمده‌ی این بُعد ارزشی شامل: رفتار دینی، برداشت دینی، کنش دینی و جهت‌گیری دینی می‌باشد. همان‌طور که انجام آزمون آماری ناپارامتریک کروسکال والیس (χ^2) درباره‌ی مؤلفه‌های ارزش‌های دینی نشان می‌دهد ($P=۰/۰۰۰$) میانگین رتبه‌ی به‌دست‌آمده برای هر یک از مناطق نشان از تفاوت معناداری بین آن‌ها دارد. هم‌چنین نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه (ANOVA) میزان میانگین نمرات هر یک از مناطق را در سطح معناداری مطلوبی نشان می‌دهد. استفاده از آزمون پسین «شفه» نیز جهت مقایسه‌ی میانگین نمرات دینی مناطق، به‌طور دقیق‌تر اختلاف در زیرگروه‌های مختلف را بیان می‌دارد. بنابراین، در زمینه‌ی اعمال دینی مختلف می‌توان با تقسیم‌بندی آن به دو نوع: رفتارهای دینی - مناسکی (رفتارهای دینی) و رفتارهای دینی - اجتماعی (کنش مذهبی) بیان داشت که مناطق فرهنگی - اجتماعی دو (گیلان، مازندران و

اصفهان) و یک (تهران) دارای نمره‌های بالاتری نسبت به سایر مناطق در زمینه‌ی رفتارهای دینی - مناسکی و نیز داشتن جهت‌گیرهای دینی سکولارتری می‌باشند و در مقابل، منطقه‌ی پنج (لرستان، بوشهر و کرمان) فرهنگی - اجتماعی اهمیت بیشتری به رفتار دینی از نوع اخلاقی می‌دهند و نیز نمره‌ی بیشتری در برداشت از دین و اهمیت معنا و فرهنگ این جهانی از دین دارند. بنابراین، می‌توان نتیجه‌گرفت که عمده‌ترین تفاوت در ارزش‌های دینی مناطق پنج‌گانه بین مناطق یک (تهران) و دو (گیلان، مازندران و اصفهان) با مناطق سه (فارس) و پنج (لرستان، بوشهر و کرمان) می‌باشد و منطقه‌ی چهار (کرمانشاه و همدان) در سطح میانه‌ی این طیف قرار دارد.

جدول (۶): وضعیت ارزش‌های دینی در مناطق پنج‌گانه

ارزش‌های دینی/مناطق	یک	دو	سه	چهار	پنج	آزمون‌های آماری
رتبه	۵۶۲	۷۶۴	۵۱۱	۴۶۷	۵۱۳	$\chi^2=108, P=0/000$
میانگین	۵/۷	۶/۷	۵/۴	۵/۱	۵/۴	$F=26, P=0/000$
مقایسه	۴-۲	۵-۴-۳-۱	۲	۲-۱	۲	نتایج آزمون شفه
رتبه	۵۳۴	۴۰۸	۵۴۲	۵۹۷	۶۲۴	$\chi^2=52, P=0/000$
میانگین	۵/۸	۵/۳	۵/۹	۶	۶/۱	$F=17, P=0/000$
مقایسه	۵-۲	۵-۴-۳-۱	۲	۲	۲	نتایج آزمون شفه
رتبه	۷۰۸	۶۴۶	۶۵۰	۶۶۱	۷۹۱	$\chi^2=24, P=0/000$
میانگین	۱۸/۳	۱۸/۱	۱۷/۹	۱۸	۱۸/۷	$F=6/2, P=0/000$
مقایسه	-	-	۵	۵	۴-۳	نتایج آزمون شفه
رتبه	۵۹۴	۶۷۴	۴۹۱	۵۹۸	۶۰۶	$\chi^2=30, P=0/000$
میانگین	۵/۶	۵/۵	۴/۳	۵/۲	۵/۳	$F=8, P=0/000$
مقایسه	۳	۳	۵-۴-۲-۱	۳	۳	نتایج آزمون شفه

۲-۲- وضعیت ارزش‌های خانوادگی در مناطق پنج‌گانه

مؤلفه‌هایی از قبیل: ساختار خانواده، ویژگی‌های همسر مطلوب و الگوی ازدواج، وضعیت ارزش‌های خانوادگی را می‌سنجند. نتایج آزمون کروسکال والیس و تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان می‌دهد که آشکارترین شکل ساخت سستی خانواده در منطقه‌های پنج (لرستان، بوشهر و کرمان) و یک (تهران) وجود دارد. توجه به زن سستی در مناطق یک (تهران) و پنج (لرستان، بوشهر و کرمان) و نیز زن مذهبی در مناطق پنج (لرستان، بوشهر و کرمان) و چهار (کرمانشاه و همدان) دیده می‌شود و در مقابل،

اهمیت به زن مدرن در مناطق یک (تهران) و سه (فارس) به طور معنی داری مشهود است. توجه به ازدواج موقت و دائم در منطقه دو (گیلان، مازندران و اصفهان) در مقابل سایر مناطق بیش تر محرز است. بنابراین، در مناطقی که ساختار خانواده از نوع سنتی می باشد، مشاهده می شود که توجه به تعدد زوجات محدود است و اهمیت بسیاری به خصوصیات زن سنتی و مذهبی دارند.

جدول (۷): وضعیت ارزش های خانوادگی در مناطق پنج گانه

آزمون های آماری	پنج	چهار	سه	دو	یک	ارزش های خانوادگی / مناطق	
$\chi^2=62, P=0/000$	546	461	330	445	451	رتبه	ساختار خانواده
$F=17, P=0/000$	8/2	7/4	6/3	7/4	7/4	میانگین	
نتایج آزمون شفه	4.3-2-1	5-3	5.4-2-1	5-3	3	مقایسه	
$\chi^2=38, P=0/000$	739	591	695	635	753	رتبه	زن سنتی
$F=7, P=0/000$	18/5	17/8	18/3	18/1	18/5	میانگین	
نتایج آزمون شفه	4	5-1	-	-	4	مقایسه	
$\chi^2=11/4, P=0/02$	751	716	638	694	704	رتبه	زن مذهبی
$F=3, P=0/01$	8/7	8/6	8/2	8/5	8/5	میانگین	
نتایج آزمون شفه	3-1	3-1	5-4-2	3-1	5-4-2	مقایسه	
$\chi^2=58, P=0/000$	602	554	729	598	739	رتبه	زن مدرن
$F=15, P=0/000$	11	10/7	11/8	11	11/9	میانگین	
نتایج آزمون شفه	3-1	3-1	5-4-2	3-1	5-4-2	مقایسه	
$\chi^2=21, P=0/000$	649	710	672	791	654	رتبه	الگوی ازدواج
$F=8/5, P=0/000$	4	4/2	4/2	5	4	میانگین	
نتایج آزمون شفه	2	2	2	5.4-3-1	2	مقایسه	

۲-۳- وضعیت ارزش های جنسیتی در مناطق پنج گانه

بررسی آماری انجام گرفته بین وضعیت هنجارهای جنسیتی مختلف در مناطق پنج گانه رابطه ی معناداری را در سطح قابل قبولی نشان می دهد؛ به گونه ای که ترجیحات جنسیتی در منطقه های دو (گیلان، مازندران و اصفهان) و سه (فارس) با سایر مناطق متفاوت است.

جدول (۸): وضعیت ارزش‌های جنسیتی در مناطق پنج‌گانه

ارزش‌های جنسیتی / مناطق	یک	دو	سه	چهار	پنج	آزمون‌های آماری
رتبه	۵۰۸	۶۸۲	۵۲۶	۶۳۰	۶۵۰	$\chi^2=48, P=0/000$
ترجیحات جنسیتی	۱۰/۶	۱۲/۱	۱۰/۸	۱۱/۷	۱۱/۹	$F=12, P=0/000$
مقایسه	۵-۴-۲	۳-۱	۵-۴-۲	۵-۳-۱	۳-۱	نتایج آزمون شفه

۲-۴- وضعیت ارزش‌های اجتماعی در مناطق پنج‌گانه

سنجش ارزش‌های اجتماعی از طریق مؤلفه‌هایی چون: رضایت اجتماعی، ناهنجاری‌های اجتماعی، اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی و هویت ملی صورت گرفته است.

بررسی‌های به عمل آمده از طریق آزمون F و کروسکال والیس (χ^2) نشان می‌دهد که بیش‌ترین رضایت اجتماعی در مناطق پنج (لرستان، بوشهر و کرمان) و سه (فارس) و کم‌ترین میزان در مناطق دو (گیلان، مازندران و اصفهان) و چهار (کرمانشاه و همدان) مشاهده می‌شود. در زمینه‌ی ناهنجاری‌های اجتماعی میزان نمره‌ی موجه‌نمایی احکام، در منطقه‌ی یک (تهران) بیش‌تر و در منطقه‌ی سه (فارس) کم‌تر است. بیش‌ترین نمره‌ی اعتماد اجتماعی در مناطق دو (گیلان، مازندران و اصفهان) و پنج (لرستان، بوشهر و کرمان) و کم‌ترین در منطقه‌ی چهار (کرمانشاه و همدان) می‌باشد. درباره‌ی وضعیت روابط اجتماعی، همان‌طور که مشاهده می‌گردد، بیش‌ترین روابط و تعاملات اجتماعی در منطقه‌ی پنج (لرستان، بوشهر و کرمان) و کم‌ترین سطح در مناطق سه (فارس) و یک (تهران) دیده می‌شود. به‌لحاظ غرور ملی و داشتن هویت ملی، مناطق پنج (لرستان، بوشهر و کرمان) و چهار (کرمانشاه و همدان) بیش‌ترین و مناطق سه (فارس) و دو (گیلان، مازندران و اصفهان) کم‌ترین افتخار را ابراز نموده‌اند. در نهایت آنچه می‌توان بیان داشت این است که، در منطقه‌ی پنج (لرستان، بوشهر و کرمان) فرهنگی - اجتماعی کشور، اکثر ارزش‌های اجتماعی نمره‌ی بالاتری را به خود اختصاص داده‌اند؛ گرچه در مناطق دو (گیلان، مازندران و اصفهان) و یک (تهران) سطح ارزش‌های اجتماعی نسبت به سایر مناطق تا حدودی پایین‌تر می‌باشد.

جدول (۹): وضعیت ارزش‌های اجتماعی در مناطق پنج‌گانه

آزمون‌های آماری	پنج	چهار	سه	دو	یک	رتبه	ارزش‌های اجتماعی / مناطق
$\chi^2=25, P=0/000$	۷۹۷	۶۷۵	۷۶۳	۶۴۰	۷۵۸	رتبه	رضایت اجتماعی
$F=5, P=0/000$	۱۳/۴	۱۲/۱	۱۳/۲	۱۱/۹	۱۳/۱	میانگین	
نتایج آزمون شفه	۴-۲	۵	-	۵	-	مقایسه	
$\chi^2=26, P=0/000$	۴۹۱	۴۴۵	۴۰۶	۵۰۰	۵۳۷	رتبه	ناهنجاری‌های اجتماعی
$F=4/3, P=0/002$	۸۷/۴	۸۵/۵	۸۲/۶	۸۶/۷	۸۸/۵	میانگین	
نتایج آزمون شفه	-	-	۱	-	۳	مقایسه	
$\chi^2=26, P=0/000$	۵۰۴	۴۸۴	۳۸۶	۵۳۲	۴۸۵	رتبه	اعتماد اجتماعی
$F=6, P=0/002$	۱۲/۷	۱۲/۴	۱۱/۲	۶۳	۱۲/۵	میانگین	
نتایج آزمون شفه	۳	۳	۵.۴-۲-۱	۳	۳	مقایسه	
$\chi^2=59, P=0/000$	۸۲۰	۷۲۵	۵۸۲	۷۴۹	۶۲۸	رتبه	روابط اجتماعی
$F=17, P=0/000$	۱۰/۵	۹/۶	۸/۴	۱۰	۸/۸	میانگین	
نتایج آزمون شفه	۳-۱	۳-۱	۵-۴-۲	۳-۱	۴-۲	مقایسه	
$\chi^2=62, P=0/000$	۸۳۵	۷/۸	۶۵۳	۶۱۶	۷۶۶	رتبه	هویت ملی
$F=11, P=0/000$	۴/۶	۴/۳	۳/۴	۴/۱	۴/۵	میانگین	
نتایج آزمون شفه	۴-۳-۲	۵-۲	۵	۵-۴-۲	۲	مقایسه	

۲-۵- وضعیت ارزش‌های سیاسی در مناطق پنج‌گانه

بررسی هنجارهای سیاسی گوناگون از قبیل: تمایلات سیاسی، رضایت سیاسی و گرایش‌های سیاسی نشان می‌دهد که بیش‌ترین بحث و علاقه‌مندی به سیاست در منطقه‌ی پنج (لرستان، بوشهر و کرمان) و کم‌ترین میزان در مناطق سه (فارس) و یک (تهران) مشاهده می‌شود؛ همچنین در مناطق دو (گیلان، مازندران و اصفهان) و پنج (لرستان، بوشهر و کرمان) رضایت سیاسی بالاتری اعلام شده است؛ گرچه در مناطق سه (فارس) و یک (تهران) کم‌ترین رضایت را نسبت به دولت و دموکراسی ابراز داشته‌اند. در زمینه‌ی گرایش به جریان‌های سیاسی، مناطق دو (گیلان، مازندران و اصفهان)، یک (تهران)، پنج (لرستان، بوشهر و کرمان) سه (فارس) و چهار (کرمانشاه و همدان) به ترتیب گرایش‌های سیاسی بیش‌تری به جناح موسوم به راست در جامعه دارند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که توجه و علاقه‌مندی کمتر منطقه‌ی سه (فارس) به سیاست، با رضایت کم‌تر از دولت و وضع سیاسی جامعه همراه می‌باشد؛ در مقابل، پاسخگویان

منطقه‌ی پنج (لرستان، بوشهر و کرمان) تمایلات سیاسی بالاتری را ابراز نموده و رضایت سیاسی بالاتری را نیز بیان داشته‌اند. منطقه‌ی دو (گیلان، مازندران و اصفهان) در مقابل منطقه‌ی چهار (کرمانشاه و همدان) به ترتیب گرایش‌ات راست و چپ بیش‌تری دارند.

جدول (۱۰): وضعیت ارزش‌های سیاسی در مناطق پنج‌گانه

ارزش‌های سیاسی / مناطق	یک	دو	سه	چهار	پنج	آزمون‌های آماری
تمایلات سیاسی	رتبه	۶۴۷	۶۵۸	۶۳۸	۶۸۹	۷۳۹
	میانگین	۴/۲	۴/۳	۴/۲	۴/۴	۴/۶
	مقایسه	-	-	-	-	نتایج آزمون شفه
رضایت سیاسی	رتبه	۵۴۵	۵۸۵	۴۷۰	۵۶۵	۵۷۶
	میانگین	۸/۸	۹/۳	۸/۱	۹/۱	۹/۳
	مقایسه	-	۳	۵-۴-۲	۳	۴-۳
گرایش‌ات سیاسی	رتبه (راست)	۵۰۸	۶۱۹	۴۷۷	۴۷۵	۵۰۰
	رتبه	۵۱۱	۴۰۰	۵۴۱	۵۴	۵۱۸
	میانگین (چپ)	۴/۷	۵/۷	۴/۴	۴/۸	۴/۸
	میانگین	۶/۲	۵/۲	۶/۵	۶/۴	۶/۱
	مقایسه	۲	۵،۴-۳-۱	۲	۲	۲

۶-۲- وضعیت ارزش‌های جهانی در مناطق پنج‌گانه

دو مؤلفه‌ی وضعیت ارزش‌های مادی و فرامادی و نیز تعلق جغرافیایی عمده‌ترین معیار سنجش این بُعد از ارزش می‌باشند. طبق یافته‌های به‌دست‌آمده می‌توان نتیجه گرفت که مناطق سه (فارس) و پنج (لرستان، بوشهر و کرمان) دارای بیش‌ترین ارزش فرامادی می‌باشند؛ درحالی‌که مناطق یک (تهران) و دو (گیلان، مازندران و اصفهان) توجه بیش‌تری به ارزش‌های مادی دارند.

در زمینه‌ی تعلق جغرافیایی پاسخگویان، توجه به گروه‌های جغرافیایی بزرگ‌تر: ایران، خاورمیانه و جهان در مناطق چهار (کرمانشاه و همدان) و یک (تهران)، نسبت به مناطق سه (فارس) و دو (گیلان، مازندران و اصفهان) بیش‌تر مشاهده می‌شود؛ البته نتایج این بخش در قالب آزمون‌های پسین آزمون^۱ معنادار نشده‌اند.

1- post/hoc

جدول (۱۱): وضعیت ارزش‌های جهانی در مناطق پنج‌گانه

آزمون‌های آماری	پنج	چهار	سه	دو	یک	ارزش‌های جهانی / مناطق	
$\chi^2=6/3, P=0/17$	۶۳۶	۶۲۲	۶۵۷	۵۹۲	۶۰۲	رتبه	ارزش‌های مادی / فرامادی
$F=1/4, P=0/21$	۱/۸	۱/۷	۱/۸	۱/۷	۱/۷	میانگین	
نتایج آزمون شفه	-	-	-	-	-	مقایسه	
$\chi^2=11/4, P=0/02$	۶۵۰	۶۸۷	۶۴۹	۵۹۰	۶۷۸	رتبه	تعلق جغرافیایی
$F=2/5, P=0/03$	۴/۹	۵	۵/۱	۴/۶	۵/۱	میانگین	
نتایج آزمون شفه	-	-	-	-	-	مقایسه	

نتیجه‌گیری

از مطالعه و بررسی وضعیت نظام ارزش‌های مختلف در مناطق پنج‌گانه‌ی فرهنگی - اجتماعی، نتایج زیر استنباط می‌شود:

الف) در منطقه‌ی اول فرهنگی - اجتماعی (استان تهران)، توجه به جهت‌گیری دینی، ویژگی زن سنتی، زن مدرن و ناهنجاری‌های اجتماعی در رتبه‌ی اول می‌باشد.

ب) در منطقه‌ی دوم فرهنگی - اجتماعی (استان‌های اصفهان، گیلان و مازندران)، تعدد ازدواج، ترجیحات جنسیتی، اعتماد اجتماعی، رضایت سیاسی، رفتار دینی از نوع مناسکی و تمایلات راست‌گرایانه سیاسی بالاترین نسبت را به خود اختصاص داده‌اند.

ج) در مناطق فرهنگی - اجتماعی سوم (استان فارس) و چهارم (استان‌های همدان و کرمانشاه)، ارزش‌های فرامادی و تعلق جغرافیایی در سطح بالایی قرار دارد.

د) در منطقه‌ی پنجم فرهنگی - اجتماعی (استان‌های لرستان، کرمان و بوشهر)، ساخت سنتی خانواده، توجه به زن مذهبی، رضایت اجتماعی، روابط اجتماعی، هویت اجتماعی و داشتن تمایلات سیاسی، نمرات بالاتری را کسب نموده‌اند.

بنابراین، با کمی تعدیل و مسامحه به نظر می‌رسد که توجه به ارزش‌های دینی و سیاسی، بیش‌تر در منطقه‌ی دو (گیلان، مازندران، اصفهان) و توجه به ارزش‌های اجتماعی و خانوادگی در منطقه‌ی پنج (لرستان، بوشهر و کرمان) قابل مشاهده است و در نهایت، آمیختگی ارزش‌های خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، جنسیتی و جهانی در منطقه‌ی یک (تهران) بیش‌تر می‌باشد؛ به گونه‌ای که جهت‌گیری سکولار از دین، توجه به ویژگی زن مدرن، و هنجارهای جنسیتی یکسان و اعتماد اجتماعی پایین، در عین داشتن ساخت سنتی خانواده و زن سنتی و نیز موجه‌نمایی بسیاری از احکام نابهنجار اجتماعی در سطح بالایی در این منطقه قرار دارند. بنابراین، می‌توان بیان داشت که

تکلیف هنجارها در چنین جامعه‌ای در قالب مدرن شدن یا سنتی ماندن و جدا شدن از بافت نظام ارزشی سنتی نوعی «آنومی هنجاری» را پدید آورده است. در مناطق سه (فارس) و چهار (کرمانشاه و همدان) نیز هنجارها و ارزش‌های اجتماعی جهت‌گیری روشنی را برای افراد مشخص نمی‌نمایند و در اصطلاح آنان را با «ابهام هنجاری» مواجه می‌سازند. در مناطق فرهنگی - اجتماعی دو (گیلان، مازندران و اصفهان) و پنج (لرستان، بوشهر و کرمان) هنجارها و ارزش‌های اجتماعی تا حدودی «نظام هنجاری» سنتی و پایداری را نشان می‌دهند.

با توجه به مدل نظری اینگلهارت درباره‌ی «دگرگونی فرهنگی» و «توسعه‌ی اقتصادی» مبنی بر این که دگرگونی فرهنگی در جامعه با وضعیت محیطی و رشد اقتصادی و تکنولوژیکی ارتباط دارد، در می‌یابیم که مقایسه‌ی تغییر در ارزش‌های گوناگون در رتبه‌های گوناگون در مناطق پنج‌گانه‌ی فرهنگی - اجتماعی با سطوح توسعه‌ای که در تحقیقات گذشته (رمضانیان، ۱۳۷۹؛ زیاری، ۱۳۷۹؛ مشفق، ۱۳۸۰) عنوان گردید، رابطه دارد که می‌توان آن را به صورت روی کردی تبیینی پذیرفت؛ به گونه‌ای که گسترش و توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی در استان‌های مختلف، با برخی از تغییرات ارزشی همراهی دارد. این تعامل و همراهی از آن روست که ارزش‌های متناسب به هر منطقه، می‌تواند شرایط توسعه‌ی اقتصادی و زمینه‌ی دگرگونی محیطی خاصی را فراهم نماید، یا این که تغییرات در ساختار اقتصادی و محیطی، به تدریج ارزش‌های موجود را تحت تأثیر قرار دهد. به هر حال مشخص شده است که توسعه در مناطق مختلف با تغییرات ارزشی هم‌آهنگی دارد؛ به عبارتی: هر چه مناطق فرهنگی - اجتماعی از ارزش‌های سنتی فاصله می‌گیرند و به تدریج الگوهای جدید ارزشی و مدرن را نمایان می‌سازند، شاخص‌های توسعه‌ی اقتصادی، سطح بالاتری را نشان می‌دهند.

این نکته در مورد منطقه‌ی یک (تهران) فرهنگی - اجتماعی که آمیزه‌ای از ارزش‌های سنتی و جدید است، به خوبی مشاهده می‌گردد؛ گرچه باید این فرض را پذیرفت که عمده‌ترین تحول ارزشی در جامعه در همراهی با توسعه، تغییر در ارزش‌های دینی و سیاسی می‌باشد، تأیید این نظر، سطح ارزش‌های سیاسی و دینی است که در منطقه‌ی «دوم» فرهنگی - اجتماعی تحقیق (استان‌های گیلان، مازندران و اصفهان) عیان است. در منطقه‌ی «پنجم» فرهنگی - اجتماعی (استان‌های لرستان، بوشهر و کرمان) ارزش‌های خانوادگی و اجتماعی دارای بالاترین ساخت سنتی می‌باشند که از لحاظ سطح توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی به عنوان یکی از کمتر توسعه‌یافته‌ترین (به

استثنای کردستان) استان‌ها به حساب می‌آیند. به نظر می‌رسد که در مناطق سوم و چهارم فرهنگی - اجتماعی (استان‌های فارس، کرمانشاه و همدان)، به خاطر تغییرات ارزشی در حد متوسط و شاید ابهام‌گونه، به لحاظ توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی در حد میانه قرار می‌گیرند.

درواقع آن‌چه می‌توان از مطالب فوق استنباط نمود و به‌عنوان فرضیه‌های پیشنهادی این مطالعه در نظر داشت؛ این است که توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی در مناطق پنج‌گانه‌ی مورد بررسی (استان‌های تهران، مازندران، گیلان، اصفهان، فارس، کرمانشاه، همدان، لرستان، بوشهر و کرمان) با تغییرات ارزشی (ارزش‌های دینی، خانوادگی، جنسیتی، اجتماعی، سیاسی و جهانی) تا حدودی همگامی نشان می‌دهد و به‌عبارتی بین توسعه‌یافتگی و تغییرات ارزشی رابطه‌ی مستقیمی برقرار است.

به نظر می‌رسد این تحولات به ترتیب از ارزش‌های دینی، سیاسی، جنسیتی و جهانی شروع می‌شود و به تدریج ارزش‌های اجتماعی و خانوادگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ گرچه باید در فرایند این تغییرات و توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی، آسیب‌ها و تضادهایی را در سطوح تغییرات ارزشی مناطق انتظار داشت.

جدول (۱۲): وضعیت تغییرات ارزشی در مناطق پنج‌گانه‌ی فرهنگی - اجتماعی

ارزش‌ها	مؤلفه‌ها	نمره بالا → (مناطق پنجگانه) ← نمره پایین				
ارزش‌های دینی	رفتار دینی	۲	۱	۳	۵	۴
	برداشت دینی	۵	۴	۳	۱	۲
	کنش دینی	۵	۱	۲	۴	۳
	جهت‌گیری دینی	۱	۲	۵	۴	۳
ارزش‌های مرتبط با خانواده	ساختار خانواده	۵	۱	۲	۴	۳
	زن سنتی	۱	۵	۳	۲	۴
	زن مذهبی	۵	۴	۱	۲	۳
	زن مدرن	۱	۳	۵	۲	۴
ارزش‌های جنسیتی	الگوی ازدواج	۲	۴	۳	۱	۵
	ترجیحات جنسیتی	۲	۵	۴	۳	۱
ارزش‌های اجتماعی	رضایت اجتماعی	۵	۳	۱	۴	۲
	ناهنجاری‌های اجتماعی	۱	۲	۵	۴	۳
	اعتماد اجتماعی	۲	۵	۳	۴	۱
	روابط اجتماعی	۵	۲	۴	۱	۳
	هویت ملی	۵	۴	۱	۳	۲



۳	۱	۲	۴	۵	تمایلات سیاسی	
۳	۱	۴	۵	۲	رضایت سیاسی	ارزش های سیاسی
۳	۳	۵	۱	۲	گرایشات سیاسی (جناح موسوم به راست)	
۲	۱	۴	۵	۳	ارزش های مادی / فرامادی	ارزش های جهانی
۲	۳	۵	۱	۴	تعلق جغرافیایی	

یادداشت‌ها:

- ۱- دانشجویان آموزش عالی (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)، ۲- تعداد کتاب در کتابخانه‌ها (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)، ۳- تعداد تماشاگران سینما (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)، ۴- تعداد سالن‌های سینما (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)، ۵- تعداد صندلی‌های موجود در سینما (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)، ۶- شمارگان روزنامه‌ها (به ازای هر یک میلیون نفر)، ۷- تعداد عناوین نشریات ادواری (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)، ۸- شمارگان نشریات ادواری (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)، ۹- تعداد عناوین روزنامه‌ها (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)، ۱۰- تعداد کتابخانه‌ها (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)، ۱۱- تعداد مراجعه‌کننده به کتابخانه‌ها (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)، ۱۲- درصد جمعیت باسواد، ۱۳- تعداد موزه‌ها (به ازای هر یک میلیون نفر)، ۱۴- تعداد کتاب فروشی‌ها (به ازای هر ۱۰/۰۰۰ نفر)، ۱۵- تعداد مراکز نشر (به ازای هر ۱۰۰/۰۰۰ نفر)، ۱۶- شمارگان کتب منتشر شده (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)، ۱۷- تعداد چاپخانه‌ها (به ازای هر ۱۰۰/۰۰۰ نفر)، ۱۸- تعداد سالن‌های هنری (به ازای هر یک میلیون نفر)، ۱۹- تعداد اماکن نمایش تئاتر (به ازای هر ۱۰/۰۰۰ نفر)، ۲۰- تعداد اماکن مذهبی (به ازای هر ۱۰۰۰ نفر)، ۲۱- میزان تولید برنامه‌ی رادیویی (برحسب ساعت)، ۲۲- میزان تولید برنامه‌ی تلویزیونی (برحسب ساعت) و ۲۳- درصد جمعیت زیر پوشش شبکه‌ی اول.

منابع:

- ۱- آبرکرامبی، نیکلاس و برایان استفن هیل (۱۳۶۷): *فرهنگ جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی حسن پویان، تهران: انتشارات چاپخش.
 - ۲- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۲): *تحلیل ثانویه داده‌های طرح ملی تغییرات ارزش‌های فرهنگی در ایران*، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
 - ۳- _____ (۱۳۸۳): *شناسایی تغییرات ارزشی بر حسب مناطق فرهنگی - اجتماعی در سطح ایران*، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
 - ۴- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳): *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه‌ی مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
 - ۵- اینگلهارت، رونالد و پل.آر.آبرامسون (۱۳۷۸): «امنیت اقتصادی و دگرگونی ارزشی»، ترجمه‌ی شهناز شفیعی‌خانی، *نامه پژوهش*، ش ۱۴ و ۱۵، صص ۵۹-۱۰۵.
 - ۶- توکلی، مهناز (۱۳۷۸): ارزش‌ها: مفاهیم و ابزارهای سنجش، *نامه پژوهش*، ش ۱۴ و ۱۵، صص ۱۳۱-۱۶۶.
 - ۷- دات، نیتش، هارولد. کلارک (۱۳۷۸): «سنجش تغییر ارزشها در جوامع صنعتی غربی (تأثیر بیکاری)»، ترجمه‌ی فرحناز توکلی، *نامه پژوهش*، ش ۱۴ و ۱۵، صص ۳۱-۵۷.
 - ۸- رمضانیان، محمد (۱۳۷۹): *توسعه و اشتغال*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، تهران: دانشکده علوم اجتماعی تهران.
 - ۹- ریشه، گئی (۱۳۷۶): *کنش اجتماعی*، ترجمه‌ی هما زنجانی‌زاده، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
 - ۱۰- زیاری، کرامت‌الله (۱۳۷۹): «سنجش درجه توسعه‌یافتگی فرهنگی استان‌های ایران»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۱۶، صص ۹۵-۱۱۱.
 - ۱۱- طالبی، ابوتراب (۱۳۷۸): *بیگانگی ارزشی جوانان*، *نامه پژوهش*، ش ۱۴ و ۱۵، صص ۱۲۸-۱۹۹.
 - ۱۲- عبداللطیف، محمد (۱۳۷۸): *بررسی روان‌شناختی تحول ارزش‌ها*، ترجمه‌ی سیدحسن سیدی، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
 - ۱۳- فرامرزی، داوود (۱۳۷۸): *نظریه ساختار مدور ارزش‌های شوارتز*، *نامه پژوهش*، ش ۱۴ و ۱۵، صص ۱۰۷-۱۲۹.
 - ۱۴- مشفق، محمود (۱۳۸۰): *توسعه روستایی و مهاجرت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، تهران: دانشکده علوم اجتماعی تهران.
 - ۱۵- نیک‌گهر، عبدالحسین (۱۳۶۹): *مبانی جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات راین.
- 16- Borgatta, Edgaar & Marriell (1992); *Encyclopedia of Sociology*, New York: Macmillan Publishing Company.



- 17- Rokeach, Milton (1968); *Beliefs, Attitudes and Values*, Jossey Bass Publishers.
- 18- Parsons, Talcott (1951); *Toward a General Theory of Action*, New York, Free Press.